

زندگینامه اشرف پهلوی

۱ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۲:۴۵

اشرف زنی جسور، قدرتطلب، مغرور و خوشگذران بود و برخلاف خواهرش شمس به امور سیاسی عشق می‌ورزید. او تا زمان حضور پدر در ایران (شهریور ۱۳۲۰) از شرکت در کلیه امور سیاسی محروم بود، بعد از برکناری پدر (شهریور ۱۳۲۰) بلافاصله از پدر جدا شد و با کمک مادرش به ایجاد باندهای دست زد تا بتواند به صورت عوامل اجرایی خود از آنها استفاده کند و در حکومت دخالت کند.

اشرف پهلوی همزمان با محمدرضا پهلوی در ۴ ابان ۱۲۹۸ شمسی در تهران دیده به جهان گشود. پدرش رضاخان سرهنگ قزاقخانه و مادرش تاجالملوک آیرملو دختر میرپنج تیمورخان آیرملو از صاحبمنصبان ارشد ارتش قزاق بود. اشرف بعد از تولد زهرا نامیده شد و شناسنامه او به این نام گرفته شد اما پس از قدرت گرفتن رضاخان و به سلطنت رسیدن او به اشرفالملوک ملقب گشت و اشرف نامیده شد. به طوری که از خاطرات اشرف برمیآید وی در کودکی مورد بیلمه‌ری و بیلتوجهی پدر و مادرش قرار داشت. وی در ابتدا تحصیلات خود را نزد معلمین خصوصی فراگرفت و زبان فرانسه را نزد مادام ارفع آموخت. سپس به دبیرستان انوشیروان دادگر رفت و تا ۱۶ سالگی در آنجا تحصیل نمود. در هفده سالگی به دستور پدر با علی قوام ازدواج کرد و از او صاحب پسری شد. اما بین زن و شوهر صمیمیتی حاصل نشد و هر دو تا زمان حیات پدر به این زندگی ادامه دادند.

اشرف زنی جسور، قدرتطلب، مغرور و خوشگذران بود و برخلاف خواهرش شمس به امور سیاسی عشق می‌ورزید. او تا زمان حضور پدر در ایران (شهریور ۱۳۲۰) از شرکت در کلیه امور سیاسی محروم بود، بعد از برکناری پدر (شهریور ۱۳۲۰) بلافاصله از پدر جدا شد و با کمک مادرش به ایجاد باندهای دست زد تا بتواند به صورت عوامل اجرایی خود از آنها استفاده کند و در حکومت دخالت کند. از جمله این افراد عبدالحسین هژیر، دکتر منوچهر اقبال، جلال شادمان، نصرتیان، عباس اسکندری، حسن اکبر و رزمآرا را می‌توان نام برد. حوزه فعالیت اشرف روزبه روز افزایش یافت به طوری که از سال ۱۳۳۰ش و قدرت گرفتن دکتر مصدق به اوج خود رسید و اشرف به عنوان رکن مبارزه دربار با مصدق درآمد. فعالیت او در این زمینه به حدی بود که مصدق با اصرار او و مادرش را از ایران تبعید نمود. اما اشرف از پای ننشست. وی در طول مدت اقامتش در پاریس با قوام ارتباط برقرار کرد و مقدمات سقوط مصدق و نخست‌لوزیری قوام را فراهم ساخت. ولیکن قوام با تمام ترفندهای سیاسی و حمایت‌های درباری مدت زمان کوتاهی بر مسند صدارت ماند و بار دیگر مصدق با حمایت مردمی به حکومت رسید. اشرف از نیمه‌های سال ۱۳۳۱ش درصدد برآمد تا تمام

هم خود را در سقوط حکومت مصدق بکار گیرد. او با انگلیسها و امریکاییها وارد مذاکره شد و فکر انجام یک کودتای نظامی را در آنها برانگیخت. او با آماده کردن کارها در لندن، اقداماتی در تهران توسط ایادی خود انجام داد و عده‌های از یارانش چون برادران رشیدیان زمینهای لازم را فراهم نمود.

پس از انجام کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش و روی کار آمدن مجدد سلطنت پهلوی اشرف به خواست برادر در اروپا ماند و ماهانه پنج هزار دلار مقرری دریافت داشت. پس از هشت ماه به تهران بازگشت و با همان سبک و سیاق اما به صورت گسترده‌تری به دخالت در امور سیاسی پرداخت. او به عنوان ریاست سازمان خدمات شاهنشاهی و سازمان زنان ایران یکی از مهمترین و بانفوذترین افراد خاندان پهلوی به حساب می‌آمد و در کلیه امور سیاسی، اقتصادی دخالت می‌کرد. به طوری که اکثر رجال سیاسی کشور در جهت اجرای اوامر او کوشا بودند. اشرف به جمع‌آوری مال علاقهای وافر داشت و به مشارکت در امر قاچاق مواد مخدر و همکاری سازمانهای بین‌المللی مافیایی می‌پرداخت. وی در کارهای چون قاچاق اشیای عتیقه، شهرک‌سازی، مشارکت در ساخت شرکتها، کارخانجات و بانکها فعالیت داشت به طوری که یکی از ثروتمندترین زنان عصر خود به حساب می‌آمد. او در اواخر سنوات رژیم سابق به عنوان رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل گمارده شد و چند ماه قبل از سقوط رژیم از ایران به امریکا رفته و در آنجا ساکن شد. جناب نخست‌وزیر [جمشید آموزگار] دوست عزیز، امروز که تهران را ترک می‌کنم خواستم به توسط این نامه هم از شما خداحافظی کنم و هم مطلبی که مورد علاقه شخص من است به شما متذکر شوم. لابد شما از تقاضایی که شرکت مربوط امر این که باشید نداشته اطلاع شاید ولی مستحضرد فرمودند رجوع شما به و کرده اعلیحضرت پیشگاه از سوئیس BBC به شخص من است و شاید هم نباید به شما می‌گفتم ولی از آنجایی که شما را به خودم خیلی نزدیک میدانم و به صداقت شما اطمینان دارم خواستم خاطرنشان بشوم که بدانید و در پیشرفت این کار آنچه که ممکن است کمک کنید که فردا انجام گیرد. من آن روز درست با شما نتوانستم صحبت کنم ولی وضع زندگی من خیلی درهم و خراب است و این امر ممکن است که باعث شود که یک کمی بار زندگی سبکتر شود، لذا خواهشمندم آنچه که می‌توانید برای پیشبرد این کار مضایقه نکنید. البته این موضوع را شما میدانید و من و خودتان، به همین دلیل خواهشمندم این نامه را بعد از خواندن فوراً پاره کنید. مطلب دیگری که فراموش کردم آن روز به شما بگویم موضوع بنیاد من است که واقعاً به کمک معنوی و مادی احتیاج مبرم دارد. بعد از برگشتن از مسافرت مفصل با شما در این باب صحبت خواهم کرد ولی مطلبی که فوریت دارد مبلغ یک [مقدار] دلار است که باید برای شعبه بین‌المللی آن که در پاریس تشکیل میشود تهیه شود. در حال حاضر چون وضعیت مالی بنیاد خیلی بد است خواهشمندم که دولت این مبلغ را بپردازد تا بعداً که بنیاد روی پای خود ایستاد و احتیاجی نداشت قطع کند. سلامت، موفقیت و سعادت شما را از خداوند متعال خواهانم. اگر هر وقت کاری از دست من برآید برای پیشرفت فکری و کاری از گفتنش دریغ نکنید: با کمال میل حاضر. نامه را بعد از خواندن پاره کنید. دوست شما اشرف پهلوی

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۰۹۷/پهلوی-اشرف-زندگینامه>